

طرح اصلاح قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (اعاده شده از شورای نگهبان)

متن مصوبه (۱۴۰۱/۰۴/۰۷)	نظر شورا (۱۴۰۱/۰۴/۲۵)	اصلاحیه مجلس (۱۴۰۱/۰۹/۲۰)
<p>ماده ۲_ در ماده (۲) قانون بعد از عبارت «تعداد شعب دیوان» عبارت «و سازماندهی آنها در قالب معاونت‌های تخصصی به پیشنهاد رئیس دیوان» اضافه و تبصره ماده مذکور حذف می‌شود.</p>	<p>۱_ در ماده ۲ موضوع اصلاح ماده ۲ قانون، تصویب تشکیلات قضایی، اداری و تعداد شعب دیوان و سازماندهی آنها توسط رئیس قوه قضائیه لزوماً از طریق پیشنهاد رئیس دیوان، مغایر بند ۱ اصل ۱۵۸ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>ماده (۲) مصوبه به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۲_ در ماده (۲) قانون بعد از عبارت «تعداد شعب دیوان» عبارت «و سازماندهی آنها در قالب معاونت‌های تخصصی» اضافه می‌شود.</p>
<p>ماده ۳_ به انتهای تبصره ماده (۳) این قانون عبارت «در صورت عدم حضور رئیس شعبه تجدیدنظر، اداره شعبه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضائی بیشتری دارد.» اضافه و شماره آن به تبصره (۱) اصلاح و دو تبصره به‌عنوان تبصره‌های (۲) و (۳) به شرح زیر به ماده مذکور الحاق می‌شود:</p> <p>تبصره ۲_ ...</p> <p>تبصره ۳_ مقصود از مراجع اختصاصی اداری کلیه مراجع و هیأت‌هایی است که به‌موجب قوانین و مقررات قانونی، خارج از مراجع قضائی تشکیل می‌شوند و اقدام به رسیدگی به اختلافات، تخلفات و شکایاتی می‌کنند که در صلاحیت آنها قرار داده شده است؛ نظیر هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، کمیسیون‌های مواد (۹۹) و (۱۰۰) قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی، هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی، هیأت‌های حل اختلاف کارگر و کارفرما و کمیسیون‌ها و هیأت‌هایی که به موجب قوانین و مقررات تشخیص موضوعاتی از قبیل صلاحیت‌های علمی، تخصصی، امنیتی و گزینشی به عهده آنها واگذار شده باشد.</p>	<p>۲_ در ماده ۳ موضوع اصلاح ماده ۳ قانون، با عنایت به صدر تبصره ۳ که به «قوانین و مقررات قانونی» اشاره شده است، ذیل تبصره ۳ از این جهت که عبارت «مقررات» مذکور، مقید به قید «قانونی» است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.</p>	<p>در تبصره (۳) الحاقی به ماده (۳) قانون، موضوع ماده (۳) مصوبه، عبارت «کمیسیون‌ها و هیأت‌هایی که به‌موجب قوانین و مقررات» به عبارت «کمیسیون‌ها و هیأت‌هایی که به‌موجب قوانین و مقررات قانونی» اصلاح می‌شود.</p>
<p>ماده ۴_ ماده (۴) قانون و تبصره‌های آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۴_ قضات دیوان با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شوند و باید دارای هفت سال سابقه کار قضائی باشند. رئیس دیوان عدالت اداری می‌تواند قضات واجد شرایط را به رئیس قوه قضائیه پیشنهاد نماید.</p> <p>تبصره_ وجود شرط سابقه مذکور در این ماده در خصوص قضات و یا حائزین منصب قضا که مطابق مقررات استخدامی قضات جذب می‌شوند و دارای مدرک دکترای حقوق با اولویت حقوق عمومی و سایر گرایش‌های مورد نیاز دیوان می‌باشند، الزامی نیست و حسب مورد پس از گذراندن دوره‌های کارآموزی عمومی و تخصصی متناسب با صلاحیت و وظایف دیوان عدالت اداری، با ابلاغ رئیس قوه قضائیه به سمت دادرس علی‌البدل دیوان عدالت اداری منصوب می‌شوند. چگونگی جذب و نحوه و مدت کارآموزی عمومی و تخصصی آنها بر اساس دستورالعملی است که بنا به پیشنهاد رئیس دیوان عدالت اداری به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.</p>	<p>۳_ در ماده ۴ موضوع اصلاح ماده ۴ قانون، ذیل تبصره، تصویب دستورالعمل مذکور لزوماً از طریق پیشنهاد رئیس دیوان، مغایر بند ۱ اصل ۱۵۸ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>در تبصره ماده (۴) اصلاحی قانون، موضوع ماده (۴) مصوبه، عبارت «چگونگی جذب و نحوه و مدت کارآموزی عمومی و تخصصی آنها بر اساس دستورالعملی است که بنا به پیشنهاد رئیس دیوان عدالت اداری به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.» به عبارت «چگونگی جذب و نحوه و مدت کارآموزی عمومی و تخصصی آنها بر اساس دستورالعملی است که به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. رئیس دیوان عدالت اداری می‌تواند پیشنهادات خود را در این خصوص به رئیس قوه قضائیه ارائه کند.» اصلاح می‌شود.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۴۰۱/۰۹/۲۰)	نظر شورا (۱۴۰۱/۰۴/۲۵)	متن مصوبه (۱۴۰۱/۰۴/۰۷)
<p>ماده (۵) مصوبه، به شرح زیر اصلاح می شود:</p> <p>ماده ۵_ ماده (۵) قانون به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می شود:</p> <p>ماده ۵_ رئیس دیوان با رعایت شرایط مذکور در ماده (۴) علاوه بر ریاست اداری و نظارت بر کلیه قسمتهای دیوان، ریاست شعبه اول تجدیدنظر دیوان را نیز برعهده دارد و می تواند از بین معاونین قضائی یک نفر را به عنوان معاون اول انتخاب نماید.</p> <p>تبصره_ رئیس دیوان می تواند وظایف و اختیارات خود، به غیر از اختیارات خاص موضوع مواد (۷۹) و (۹۱) این قانون را، حسب مورد در امور قضائی به معاونین قضائی و در امور غیرقضائی به هر یک از معاونین خود تفویض نماید.</p>	<p>۴_ ماده ۵ موضوع اصلاح ماده ۵ قانون،</p> <p>۴_۱ از این جهت که آیا رئیس دیوان نیز، به عنوان رئیس شعبه اول تجدیدنظر دیوان، باید شرایط قضات مذکور در ماده ۴ قانون را داشته باشد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p> <p>۴_۲ در تبصره، عبارت «در امور قضائی» از این جهت که شامل اختیار صدور رأی می شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۵_ ماده (۵) قانون به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می شود:</p> <p>ماده ۵_ رئیس دیوان در چهارچوب مفاد این قانون علاوه بر ریاست اداری و نظارت بر کلیه قسمت های دیوان، ریاست شعبه اول تجدیدنظر دیوان را نیز برعهده دارد و می تواند از بین معاونین قضائی یک نفر را به عنوان معاون اول انتخاب نماید.</p> <p>تبصره_ رئیس دیوان می تواند وظایف و اختیارات خود، به غیر از اختیارات خاص موضوع مواد (۷۹) و (۹۱) این قانون را، حسب مورد در امور قضائی به معاونین قضائی و در امور غیرقضائی به هر یک از معاونین خود تفویض نماید.</p>
<p>در تبصره الحاقی به ماده (۶) قانون، موضوع ماده (۶) مصوبه، عبارت «رئیس دیوان» به عبارت «رئیس قوه قضائیه» اصلاح و عبارت «رئیس دیوان عدالت اداری می تواند پیشنهادات خود را در این خصوص به رئیس قوه قضائیه ارائه کند.» به انتهای تبصره مذکور اضافه می شود.</p>	<p>۵_ در ماده ۶ موضوع اصلاح ماده ۶ قانون، در تبصره، اعطای اختیار انحلال دفاتر در استان ها توسط رئیس دیوان به صورت مستقل، مغایر بند ۱ اصل ۱۵۸ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>ماده ۶_ یک تبصره به شرح زیر به ماده (۶) قانون الحاق می شود:</p> <p>تبصره_ در صورت ارائه الکترونیکی خدمات مذکور به مردم و دستگاه های اجرایی به نحوی که با تشخیص رئیس دیوان وجود این دفاتر در برخی از استانها ضرورت نداشته باشد، دفتر منحل و کارکنان شاغل آن در صورت تمایل به دیوان عدالت اداری در تهران و در غیر این صورت به دادگستری محل، منتقل می گردند.</p>
<p>در ماده (۷) اصلاحی قانون، موضوع ماده (۷) مصوبه، عبارت «پس از ابلاغ این قانون به پیشنهاد رئیس دیوان به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.» به عبارت «پس از ابلاغ این قانون به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد. رئیس دیوان عدالت اداری می تواند پیشنهادات خود را در این خصوص به رئیس قوه قضائیه ارائه کند» اصلاح و به انتهای تبصره ماده مذکور عبارت «عدم اعلام نظریه مشورتی در مهلت مقرر مانع از صدور رأی پس از خاتمه مهلت نیست.» اضافه می شود.</p>	<p>۶_ در ماده ۷ موضوع اصلاح ماده ۷ قانون،</p> <p>۶_۱ تصویب آیین نامه مذکور لزوماً از طریق پیشنهاد رئیس دیوان، مغایر بند ۱ اصل ۱۵۸ قانون اساسی شناخته شد.</p> <p>۶_۲ تبصره از این جهت که در صورت عدم اعلام نظر مشورتی در مهلت ذکر شده، قاضی امکان صدور رأی دارد و یا باید صدور رأی را تا زمان ملاحظه نظریه مذکور به تعویق بیندازد، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۷_ ماده (۷) قانون و تبصره آن به شرح زیر اصلاح می شود:</p> <p>ماده ۷_ دیوان می تواند جهت اعلام نظر در امور تخصصی، حسب مورد از کارشناسانی در رشته های مختلف که دارای مدرک کارشناسی با حداقل ده سال سابقه یا دارای حداقل مدرک کارشناسی ارشد با حداقل پنج سال سابقه در رشته مورد نیاز می باشند، بدون ایجاد تعهد استخدامی استفاده نماید. آیین نامه نحوه به کارگیری و پرداخت حق الزحمه این افراد ظرف شش ماه پس از ابلاغ این قانون به پیشنهاد رئیس دیوان به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.</p> <p>تبصره_ چنانچه به تشخیص رئیس دیوان، موضوعات جدیدی مطرح و مورد شکایت قرار گیرد که پیش بینی می شود اشخاص متعدد دیگری نیز شکایت مشابه</p>

اصلاحیه مجلس (۱۴۰۱/۰۹/۲۰)	نظر شورا (۱۴۰۱/۰۴/۲۵)	متن مصوبه (۱۴۰۱/۰۴/۰۷)
		<p>آن را مطرح نمایند یا دارای ابعاد گسترده اداری یا اجتماعی می‌باشد؛ موضوع همزمان با ارجاع به شعب، به گروهی از کارشناسان متخصص یا هیأت تخصصی مربوط جهت بررسی مقدماتی و ارائه نظریه مشورتی ارجاع می‌شود تا حداکثر ظرف یک ماه اعلام نظر نمایند و شعب رسیدگی کننده با ملاحظه نظریه مشورتی مذکور نسبت به صدور رأی اقدام کنند.</p>
<p>ماده (۹) مصوبه حذف می‌شود.</p>	<p>۷- در ماده ۹ موضوع اصلاح ماده ۹ قانون، اختیار تعیین قضات اجرای احکام توسط رئیس دیوان، مغایر بند ۳ اصل ۱۵۸ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>ماده ۹- ماده (۹) قانون به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف می‌شود: ماده ۹- واحدهای اجرای احکام زیر نظر رئیس دیوان انجام وظیفه می‌نمایند. قضات اجرای احکام از بین دادرسان و یا مستشاران قضائی توسط رئیس دیوان انتخاب می‌شوند.</p>
<p>صدر ماده (۱۰) مصوبه و تبصره (۱) اصلاحی ماده (۱۰) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۱۰- تبصره (۱) ماده (۱۰) قانون به شرح زیر اصلاح و تبصره (۲) ماده مذکور ابقاء و دو تبصره به‌عنوان تبصره‌های (۳) و (۴) به آن الحاق می‌شود: تبصره ۱- رسیدگی به دعاوی مطالبه خسارت در صلاحیت دادگاه عمومی است. لیکن در مواردی که مطالبه خسارت ناشی از تخلف در اجرای وظایف قانونی و اختصاصی یا ترک فعل از انجام وظایف مذکور از سوی واحدهای دولتی یا دستگاههای مذکور در بندهای (۱) و (۲) و تبصره (۴) این ماده و مأمورین واحدها و دستگاههای یادشده باشد، موضوع در دیوان عدالت اداری مطرح و شعبه دیوان ضمن رسیدگی به احراز وقوع تخلف نسبت به اصل مطالبه خسارت، نسبت به تعیین خسارت وارده اقدام نموده و حکم مقتضی صادر می‌نماید.</p>	<p>۸- در ماده ۱۰ موضوع اصلاح ماده ۱۰ قانون، ۸-۱ در تبصره ۱، با توجه به وحدت مرجع رسیدگی کننده، از این جهت که آیا مقصود از خسارات وارده، خسارات ناشی از تخلف مؤسسات و اشخاص مذکور است یا شامل خسارات دیگر نیز می‌شود، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد. ۸-۲ در تبصره ۴، از این جهت که آیا در فرض وجود جهات دیگر غیر از جهات مذکور، مقصود حصر جهات مذکور است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد. ۸-۳ در تبصره ۵، مقصود از تصمیمات اداری از این جهت که آیا شامل مواردی مانند مالکیت که وجه غیراداری آن غلبه دارد، می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد. ۸-۴ ذیل تبصره ۵، در خصوص نسبت این حکم با</p>	<p>ماده ۱۰- تبصره (۱) ماده (۱۰) قانون به شرح زیر اصلاح و تبصره (۲) ماده مذکور ابقاء و چهار تبصره به‌عنوان تبصره‌های (۳)، (۴)، (۵) و (۶) به آن الحاق می‌شود: تبصره ۱- شعبه رسیدگی کننده پس از صدور رأی بر وقوع تخلف از ناحیه مؤسسات و اشخاص مذکور در بندهای (۱) و (۲) و تبصره (۶) این ماده نسبت به تعیین میزان خسارت وارده اقدام نماید. تبصره ۳- رسیدگی به شکایات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی از وقوع تخلف و عدم رعایت قوانین و مقررات در مراحل انعقاد قرارداد توسط دستگاههای اجرائی در صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری است، لیکن رسیدگی به دعاوی ناشی از اجرای قرارداد فی‌مابین طرفین در صلاحیت دیوان نیست. تبصره ۴- جهات طرح شکایت علیه دستگاههای اجرائی و مأمورین آنها در شعب دیوان عبارتند از: ۱- خروج از حدود صلاحیت یا سوءاستفاده از اختیارات ۲- تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام آنها. تبصره ۵- در مواردی که به‌موجب قوانین، مرجع رسیدگی به اعتراضات و شکایات از تصمیمات اداری، اجرائی و یا آرای مراجع اختصاصی اداری صادره از سوی کلیه دستگاههای موضوع این ماده، تحت عناوینی از قبیل مرجع صالح</p>

اصلاحیه مجلس (۱۴۰۱/۰۹/۲۰)	نظر شورا (۱۴۰۱/۰۴/۲۵)	متن مصوبه (۱۴۰۱/۰۴/۰۷)
<p>تبصره (۴) الحاقی به ماده (۱۰) قانون، موضوع ماده (۱۰) مصوبه حذف می‌شود.</p> <p>تبصره (۵) الحاقی به ماده (۱۰) قانون، موضوع ماده (۱۰) مصوبه حذف می‌شود.</p> <p>شماره تبصره (۶) الحاقی به ماده (۱۰) قانون به (۴) اصلاح و مجلس بر مصوبه قبلی خود در این تبصره، اصرار ورزید.</p>	<p>مواردی که در قوانین دیگر، با توجه به قرائن موجود، مرجع صالح مورد نظر قانون‌گذار نهادی غیر از دیوان عدالت اداری بوده است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p> <p>۵_۸ در تبصره ۶ صلاحیت دیوان عدالت اداری بر رسیدگی به تظلمات نسبت به مصوبات و تصمیمات نهادهای عمومی غیردولتی (مذکور در ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری) و دانشگاه آزاد اسلامی، مغایر اصل ۱۷۳ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>قضائی یا دادگاه صالح یا محکمه صالح تعیین شده است، موضوع در صلاحیت شعب دیوان است.</p> <p>تبصره ۶ رسیدگی به تظلمات نسبت به مصوبات و تصمیمات یا اقدامات دستگاههای اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی و دانشگاه آزاد اسلامی در صلاحیت دیوان عدالت اداری است.</p>
<p>ماده (۱۱) مصوبه به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۱۱_ تبصره ماده (۱۱) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>تبصره_ پس از صدور حکم و قطعیت آن براساس این ماده، مرجع محکوم‌علیه علاوه بر اجرای حکم، مکلف است در موارد مشابهی که با حکم صادره وحدت موضوع دارد، مفاد حکم صادره را در تصمیمات و اقدامات بعدی خود رعایت کند، مشروط بر اینکه با تشخیص رئیس دیوان، رأی معارض قطعی با آن، توسط همان شعبه یا شعب دیگر صادر نشده باشد.</p>	<p>۹_ در ماده ۱۱ موضوع اصلاح ماده ۱۱ قانون، حذف علی‌الاطلاق تبصره این ماده، مغایر بند ۱۰ اصل سوم قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>ماده ۱۱_ تبصره ماده (۱۱) قانون حذف می‌شود.</p>
<p>ماده (۱۲) مصوبه به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۱۲_ به ماده (۱۲) قانون یک تبصره به شرح زیر به عنوان تبصره (۲) الحاق و شماره تبصره ماده مذکور به (۱) اصلاح می‌شود:</p> <p>تبصره ۲_ رسیدگی به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی در حوزه تحت صلاحیت این نهادها از شمول حکم این ماده خارج است. لیکن رسیدگی به مصوبات و تصمیمات کمیسیونها و کمیته‌های ذیل شوراهای مذکور در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار می‌گیرد.</p>		<p>ماده ۱۲_ در تبصره ماده (۱۲) قانون عبارت «مجلس خبرگان و شورای عالی امنیت ملی» به عبارت «مجلس خبرگان رهبری، شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی» اصلاح می‌شود و شماره تبصره مذکور به تبصره (۱) اصلاح و متن زیر به‌عنوان تبصره (۲) به ماده مذکور الحاق می‌شود:</p> <p>تبصره ۲_ رسیدگی به مصوبات شورای عالی فضای مجازی در حوزه تحت صلاحیت این نهاد از شمول حکم این ماده خارج است.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۴۰۱/۰۹/۲۰)	نظر شورا (۱۴۰۱/۰۴/۲۵)	متن مصوبه (۱۴۰۱/۰۴/۰۷)
<p>ماده (۱۵) مصوبه به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۱۵_ به ماده (۱۶) قانون سه تبصره به عنوان تبصره‌های (۳)، (۴) و (۵) به شرح زیر الحاق می‌شود:</p> <p><u>تبصره ۳_</u> از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون تصمیمات و اقدامات دستگاهها و مأمورین موضوع بندهای (۱) و (۳) ماده (۱۰) این قانون ظرف <u>شش ماه</u> از تاریخ ابلاغ به اشخاص مقیم داخل کشور و <u>یکسال</u> برای اشخاص مقیم خارج از کشور قابل شکایت در دیوان عدالت اداری است. <u>در صورتی که احراز شود شخص ذی‌نفع، معاذیر قانونی یا شرعی داشته است، مدت زمان معذوریت به مهلت‌های مذکور در این تبصره، اضافه می‌شود.</u></p> <p><u>تبصره ۴_</u> دستگاهها و مأمورین موضوع بندهای (۱) و (۳) ماده (۱۰) این قانون مکلفند هرگونه تصمیم و اقدام قطعی خود را که در مورد اشخاص ذی‌نفع اتخاذ می‌نمایند، به آنها ابلاغ کنند. در مواردی که اشخاص ذی‌نفع تقاضای انجام امر اداری را از دستگاههای مذکور دارند، ابتدا باید تقاضای خود را به دستگاه مربوط ارائه دهند و آن دستگاه مکلف است ضمن ثبت درخواست و ارائه رسید، حداکثر ظرف سه ماه به صورت کتبی پاسخ قطعی را (نفیاً یا اثباتاً) به ذی‌نفع ابلاغ نماید <u>مگر اینکه در سایر قوانین ظرف زمانی معینی برای پاسخ‌گویی دستگاهها و مأمورین مذکور مشخص شده باشد یا فوریت موضوع، اقتضای زمان کوتاه‌تری را داشته باشد.</u></p> <p>چنانچه با انقضای مهلت مذکور، آن دستگاه از ابلاغ پاسخ مقتضی خودداری نماید، ذی‌نفع می‌تواند با رعایت مواعد مذکور در تبصره (۲) این ماده از زمان انقضای مهلت پاسخ، در دیوان طرح شکایت کند.</p> <p>عدم پاسخ‌گویی و استنکاف از ثبت درخواست و ارائه رسید به اشخاص متقاضی، تخلف اداری محسوب می‌شود و چنانچه شاکی خواسته خود را از طریق اظهارنامه قانونی یا طرق قابل اثبات دیگری به دستگاه ذی‌ربط ارسال نموده باشد، مبدأ محاسبه مهلت مقرر از زمان وصول این درخواست می‌باشد.</p> <p><u>تبصره ۴_</u> تصمیمات و اقدامات دستگاهها و مأمورین موضوع بندهای (۱) و (۳) ماده (۱۰) این قانون که قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون به ذی‌نفع ابلاغ یا اعلام شده و یا وی به هر نحوی از آن اطلاع یافته و تا تاریخ مذکور نسبت به آن تصمیم یا اقدام در دیوان طرح شکایت ننموده است، ظرف شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قابل شکایت در دیوان می‌باشد.</p>	<p>۱۰_ ماده ۱۵ موضوع اصلاح ماده ۱۶ قانون،</p> <p>۱۰_۱_ از این جهت که با حذف تبصره ۱ این ماده روشن نیست که در موارد مذکور پرداخت هزینه دادرسی لازم است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.</p> <p>۱۰_۲_ اطلاق تبصره ۲ نسبت به اشخاصی که در مهلت مذکور امکان شکایت نداشته‌اند، خلاف شرع شناخته شد.</p> <p>۱۰_۳_ در تبصره ۳، نسبت قواعد و تکالیف این تبصره با قوانین دیگر نظیر قانون تسهیل مجوزهای کسب و کار که مهلت زمانی دیگری برای اقدامات دستگاهها تعیین شده است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.</p> <p>۱۰_۴_ اطلاق تبصره ۴، در خصوص تعیین مهلت زمان شش‌ماهه برای موارد مذکور، نسبت به مواردی که در این مهلت امکان شکایت ندارند و یا نسبت به این محدودیت جدید، اطلاع نیافته‌اند، خلاف شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۱۵_ تبصره (۱) ماده (۱۶) قانون حذف و شماره تبصره (۲) آن ماده به تبصره (۱) اصلاح و سه تبصره به عنوان تبصره (۲)، (۳) و (۴) به شرح زیر به ماده مذکور الحاق می‌شود:</p> <p><u>تبصره ۲_</u> از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون تصمیمات و اقدامات دستگاهها و مأمورین موضوع بندهای (۱) و (۳) ماده (۱۰) این قانون ظرف <u>سه‌ماه</u> از تاریخ ابلاغ به اشخاص مقیم داخل کشور و <u>شش‌ماه</u> برای اشخاص مقیم خارج از کشور قابل شکایت در دیوان عدالت اداری است.</p> <p><u>تبصره ۳_</u> دستگاهها و مأمورین مذکور مکلفند هرگونه تصمیم و اقدام قطعی خود را که در مورد اشخاص ذی‌نفع اتخاذ می‌نمایند، به آنها ابلاغ کنند. در مواردی که اشخاص ذی‌نفع تقاضای انجام امر اداری را از دستگاههای مذکور دارند ابتدا باید تقاضای خود را به دستگاه مربوط ارائه دهند و آن دستگاه مکلف است ضمن ثبت درخواست و ارائه رسید، حداکثر ظرف سه‌ماه به صورت کتبی پاسخ قطعی را (نفیاً یا اثباتاً) به ذی‌نفع ابلاغ نماید.</p> <p>چنانچه با انقضای مهلت مذکور، آن دستگاه از ابلاغ پاسخ مقتضی خودداری نماید، ذی‌نفع می‌تواند با رعایت مواعد مذکور در تبصره (۲) این ماده از زمان انقضای مهلت پاسخ، در دیوان طرح شکایت کند.</p> <p>عدم پاسخ‌گویی و استنکاف از ثبت درخواست و ارائه رسید به اشخاص متقاضی، تخلف اداری محسوب می‌شود و چنانچه شاکی خواسته خود را از طریق اظهارنامه قانونی یا طرق قابل اثبات دیگری به دستگاه ذی‌ربط ارسال نموده باشد، مبدأ محاسبه مهلت مقرر از زمان وصول این درخواست می‌باشد.</p> <p><u>تبصره ۴_</u> تصمیمات و اقدامات دستگاهها و مأمورین موضوع بندهای (۱) و (۳) ماده (۱۰) این قانون که قبل از لازم‌الاجراء شدن این قانون به ذی‌نفع ابلاغ یا اعلام شده و یا وی به هر نحوی از آن اطلاع یافته و تا تاریخ مذکور نسبت به آن تصمیم یا اقدام در دیوان طرح شکایت ننموده است، ظرف شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قابل شکایت در دیوان می‌باشد.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۴۰۱/۰۹/۲۰)	نظر شورا (۱۴۰۱/۰۴/۲۵)	متن مصوبه (۱۴۰۱/۰۴/۰۷)
<p>عدم پاسخگویی و استتکاف از ثبت درخواست و ارائه رسید به اشخاص متقاضی، تخلف اداری محسوب می‌شود و چنانچه شاکی خواسته خود را از طریق اظهارنامه قانونی یا طرق قابل اثبات دیگری به دستگاه ذی‌ربط ارسال نموده باشد، مبدأ محاسبه مهلت مقرر از زمان وصول این درخواست می‌باشد.</p> <p><u>تبصره ۵-</u> تصمیمات و اقدامات دستگاهها و مأموران موضوع بندهای (۱) و (۳) ماده (۱۰) این قانون که قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون به ذی‌نفع ابلاغ یا اعلام شده و یا وی به هر نحوی از آن اطلاع یافته و تا تاریخ مذکور نسبت به آن تصمیم یا اقدام در دیوان طرح شکایت ننموده است، ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، قابل شکایت در دیوان می‌باشد. در صورتی که احراز شود شخص ذی-نفع، معاذیر قانونی یا شرعی داشته است، مدت زمان معذوریت به مهلت مذکور در این تبصره، اضافه می‌شود.</p>	<p>۱۱_ در ماده ۱۶ موضوع اصلاح ماده ۱۷ قانون، ۱۱_۱_ در تبصره ۱، اطلاق رسیدگی «خارج از نوبت» به پرونده‌های مذکور، در حالی که مصادیق مهم لازم‌الرعایه‌ای وجود دارد، خلاف شرع و مغایر بند ۱۰ اصل سوم قانون اساسی شناخته شد. ۱۱_۲_ در تبصره ۲، محدود شدن سازمان‌های مردم‌نهاد به صرف ارائه «گزارش» و عدم پیش‌بینی امکان «شکایت» به‌طور مستقیم برای آن‌ها، مغایر اصل ۱۷۳ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>ماده ۱۶_ دو تبصره به شرح زیر به ماده (۱۷) قانون الحاق می‌شود: تبصره ۱_ دادستانی کل کشور، سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات کشور در حدود اختیارات قانونی خود، صلاحیت طرح شکایت نسبت به موضوعاتی که متضمن تضییع حقوق عمومی است و رسیدگی به آن برابر ماده (۱۰) این قانون در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار دارد را دارند. این مراجع از پرداخت هزینه دادرسی معافند و حق تجدیدنظرخواهی دارند و رسیدگی به شکایت مذکور خارج از نوبت انجام می‌شود. تبصره ۲_ سازمان‌های مردم‌نهادی که موضوع فعالیت آنها طبق اساسنامه مربوط، در زمینه حمایت از حقوق عامه از قبیل امر به معروف و نهی از منکر و موضوعات محیط زیستی، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند درخصوص موضوعات تخصصی مرتبط با فعالیتشان، نسبت به غیر قانونی بودن تصمیمات و اقدامات یا خودداری از انجام وظیفه</p>
<p>در تبصره (۱) الحاقی به ماده (۱۷) قانون، موضوع ماده (۱۶) مصوبه عبارت «و رسیدگی به شکایت مذکور خارج از نوبت انجام می‌شود» به عبارت «و رسیدگی به شکایت مذکور با رعایت مصادیق مهم لازم‌الرعایه خارج از نوبت انجام می‌شود» اصلاح و در تبصره (۲) الحاقی به ماده (۱۷) قانون، موضوع ماده (۱۶) مصوبه عبارت «به دیوان گزارش دهند تا مطابق ماده (۱۲۰) این قانون بررسی و اقدام مقتضی به عمل آید» به عبارت «در دیوان طرح شکایت کنند و حق تجدیدنظرخواهی دارند» اصلاح می‌شود.</p>		

اصلاحیه مجلس (۱۴۰۱/۰۹/۲۰)	نظر شورا (۱۴۰۱/۰۴/۲۵)	متن مصوبه (۱۴۰۱/۰۴/۰۷)
		<p>مقامات و مراجع موضوع ماده (۱۰) این قانون که متضمن تضييع حقوق عمومي است به ديوان گزارش دهند تا مطابق ماده (۱۲۰) اين قانون بررسي و اقدام مقتضي به عمل آيد.</p>
<p>ماده (۱۷) مصوبه حذف می شود.</p>		<p>ماده ۱۷- در ماده (۱۸) قانون به انتهای اجزای (۱) و (۲) بند «الف» عبارت «و شناسه قضائی» اضافه و یک بند به عنوان بند «خ» به شرح زیر به ماده مذکور الحاق می شود: <u>خ- تصویر تصمیم اداری موضوع شکایت یا درخواست شاکی به مرجع اداری طرف شکایت در مواردی که آن مرجع ظرف مهلت مقرر در ماده (۱۶) این قانون از اتخاذ تصمیم یا اعلام پاسخ مقتضی و ابلاغ آن به ذی نفع خودداری نموده است.</u></p>
<p>در ماده (۲۸) اصلاحی قانون، موضوع ماده (۱۹) مصوبه، عبارت «چنانچه در مهلت مذکور اقدام به رفع نقص ننماید دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر یا جانشین او رد می شود.» به عبارت «چنانچه در مهلت مذکور اقدام به رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر یا جانشین او رد می شود. چنانچه احراز شود شاکی معاذیر قانونی یا شرعی داشته، مدت معذوریت به مواعد مقرر در این ماده، اضافه می شود.» اصلاح می شود.</p>	<p>۱۲- در ماده ۱۹ موضوع اصلاح ماده ۲۸ قانون، اطلاق حکم، نسبت به مواردی که در زمان مقرر، امکان رفع نقص و تکمیل شکایت وجود ندارد، خلاف شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۱۹- ماده (۲۸) قانون به شرح زیر اصلاح می شود: ماده ۲۸- به جز موارد مذکور در ماده (۲۷) این قانون چنانچه دادخواست از جهت شرایط مقرر در مواد (۱۸) تا (۲۳) این قانون نقص داشته باشد، مدیردفتر شعبه ظرف دو روز تقایص دادخواست را طی اظهاریه ای به طور مستقیم یا از طریق دفاتر مستقر در مراکز استان ها یا ابلاغ الکترونیکی به شاکی اعلام می کند. شاکی از تاریخ ابلاغ اظهاریه ده روز فرصت رفع نقص دارد و چنانچه در مهلت مذکور اقدام به رفع نقص ننماید دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر یا جانشین او رد می شود. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در همان شعبه دیوان است. رسیدگی به اعتراض به قرار رد دادخواست در شعبه مربوط به عمل می آید. پس از صدور رأی توسط قاضی شعبه، مراتب توسط مدیر دفتر شعبه به معترض ابلاغ می شود. این رأی قطعی است ولی رد دادخواست مانع از طرح مجدد شکایت نیست. چنانچه طرح شکایت مجدد مستلزم رعایت زمان مشخص باشد باقیمانده مهلت مقرر از زمان ابلاغ قرار مدیر دفتر محاسبه می شود.</p>
<p>در ماده (۳۱) اصلاحی، موضوع ماده (۲۱) مصوبه، عبارت «براساس» به عبارت «با رعایت شرایط مذکور در» اصلاح می شود.</p>	<p>۱۳- در ماده ۲۱ موضوع اصلاح ماده ۳۱ قانون، اطلاق حکم، نسبت به مواردی که در زمان مقرر، امکان رفع نقص و تکمیل شکایت وجود ندارد، خلاف شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۲۱- ماده (۳۱) قانون به شرح زیر اصلاح می شود: ماده ۳۱- اگر به موجب یک دادخواست شکایات متعددی اقامه شود که با یکدیگر ارتباط نداشته باشند و شعبه نتواند ضمن یک دادرسی به آنها رسیدگی کند، ظرف پنج روز لزوم تفکیک دادخواست را طی اظهاریه ای به شاکی یا شاکیان اعلام می کند. شاکی یا شاکیان از تاریخ ابلاغ اظهاریه ده روز فرصت تفکیک یا تعیین موضوع را دارند. در صورت عدم تفکیک یا تعیین موضوع مورد شکایت، مدیر دفتر شعبه بر اساس</p>

اصلاحیه مجلس (۱۴۰۱/۰۹/۲۰)	نظر شورا (۱۴۰۱/۰۴/۲۵)	متن مصوبه (۱۴۰۱/۰۴/۰۷)
		<p>ماده (۲۸) این قانون قرار رد دادخواست صادر می‌کند. قرار رد صادره مانع از طرح مجدد شکایت نیست. چنانچه طرح شکایت مجدد مستلزم رعایت زمان مشخص باشد، باقیمانده مهلت مقرر، از زمان ابلاغ قرار مدیر دفتر، محاسبه می‌شود.</p>
<p>به انتهای ماده (۳۴) اصلاحی، موضوع ماده (۲۲) مصوبه، عبارت «و این درخواست مستلزم پرداخت هزینه دادرسی و پرداخت خسارات احتمالی نیست» اضافه می‌شود.</p>	<p>۱۴_ در ماده ۲۲ موضوع اصلاح ماده ۳۴ قانون، با توجه به حذف عبارت مبنی بر عدم پرداخت هزینه دادرسی در موارد مذکور، از این جهت که آیا این حذف به منزله لزوم پرداخت هزینه دادرسی در این موارد است یا خیر و در صورت مثبت بودن پاسخ، این هزینه به چه میزان خواهد بود، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۲۲_ ماده (۳۴) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۳۴_ در صورتی که شاکی ضمن طرح شکایت خود یا پس از آن مدعی شود که به جهات مذکور در مواد (۱۰) یا (۱۲) این قانون اقدامات یا تصمیمات یا آرای قطعی یا خودداری از انجام وظیفه از سوی طرف شکایت سبب ورود خسارتی می‌گردد که جبران آن غیرممکن یا مُتَعَسِّر است، می‌تواند تقاضای صدور دستور موقت کند. درخواست صدور دستور موقت پس از طرح شکایت اصلی تا قبل از صدور رأی امکان‌پذیر است.</p>
<p>ماده (۲۶) مصوبه به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۲۶_ در ماده (۴۰) قانون عبارت «شعبه رسیدگی کننده» به عبارت «مرجع رسیدگی کننده به اصل دعوا با موافقت رئیس دیوان» اصلاح می‌شود.</p>	<p>۱۵_ در ماده ۲۶ موضوع اصلاح ماده ۴۰ قانون، منظور از مرجع رسیدگی کننده، از این جهت که «مرجع رسیدگی کننده به اصل دعوا» است یا «مرجع رسیدگی کننده به اصل حکم دستور موقت» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۲۶_ در ماده (۴۰) قانون عبارت «شعبه رسیدگی کننده» به عبارت «مرجع رسیدگی کننده با موافقت رئیس دیوان» اصلاح می‌شود.</p>
<p>ماده (۲۸) مصوبه به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۲۸_ از ماده (۴۵) قانون عبارت «پس از وصول پاسخ، به درخواست استرداد دادخواست ترتیب اثر داده نمی‌شود.» حذف می‌شود.</p>	<p>۱۶_ در ماده ۲۸ موضوع اصلاح ماده ۴۵ قانون، نسبت این ماده با مفاد ماده ۴۶ قانون ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۲۸_ در ماده (۴۵) قانون عبارت «شاکی می‌تواند دادخواست خود را تجدید نماید. پس از وصول پاسخ، به درخواست استرداد ترتیب اثر داده نمی‌شود.» به عبارت «در این صورت شاکی می‌تواند دادخواست خود را برای یک بار دیگر تجدید نماید، لیکن پس از وصول لایحه دفاعیه طرف شکایت، چنانچه شاکی دادخواست خود را مسترد نماید قرار سقوط شکایت صادر و همان شکایت مجدداً قابل طرح نیست.» اصلاح می‌شود.</p>
<p>ماده (۲۹) مصوبه به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۲۹_ ماده (۴۶) قانون به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌شود: ماده ۴۶_ چنانچه شاکی بعد از وصول لایحه دفاعیه طرف شکایت، شکایت خود را مسترد نماید یا قبل از صدور رأی از شکایت خود به کلی صرف نظر نماید، قرار سقوط شکایت صادر</p>		<p>ماده ۲۹_ یک تبصره به شرح زیر به ماده (۴۶) قانون الحاق می‌شود: تبصره_ در صورتی که تجدیدنظرخواه دادخواست تجدیدنظرخواهی را مسترد نموده و یا انصراف خود را از تجدیدنظرخواهی اعلام نماید، قرار سقوط تجدیدنظرخواهی صادر می‌شود و تجدیدنظرخواهی مجدد قابل طرح نیست.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۴۰۱/۰۹/۲۰)	نظر شورا (۱۴۰۱/۰۴/۲۵)	متن مصوبه (۱۴۰۱/۰۴/۰۷)
<p><u>می شود و همان شکایت مجدداً قابل طرح نیست.</u></p> <p>تبصره_ در صورتی که تجدیدنظرخواه، دادخواست تجدیدنظرخواهی را مسترد نموده و یا انصراف خود را از تجدیدنظرخواهی اعلام نماید، قرار سقوط تجدیدنظرخواهی صادر می شود و تجدیدنظرخواهی مجدداً قابل طرح نیست.</p>		
<p>ماده (۳۳) مصوبه، موضوع اصلاح ماده (۵۷) قانون به شرح زیر اصلاح می شود:</p> <p>ماده ۳۳_ ماده (۵۷) قانون به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می شود:</p> <p>ماده ۵۷_ آراء شعب دیوان که بدون دخالت شخص ثالث ذی نفع در مرحله دادرسی، صادر شده، در صورتی که به حقوق شخص ثالث، خلل وارد نموده باشد، ظرف دو ماه از تاریخ اطلاع از حکم، قابل اعتراض است. این اعتراض در شعبه رسیدگی کننده به پرونده، مطرح می شود و شعبه مزبور با بررسی دلایل ارائه شده، مبادرت به صدور رأی می کند. در صورتی که رأی مربوط به شعبه تجدیدنظر باشد، قطعی و در صورتی که از شعبه بدوی صادر شده باشد، قابل تجدیدنظر است.</p> <p>تبصره ۱_ در صورتی که احراز شود شخص ثالث، معاذیر قانونی یا شرعی داشته است، مدت زمان معذوریت به مهلت دو ماه مذکور در این ماده، اضافه می شود.</p> <p>تبصره ۲_ در مواردی که اجرای رأی مورد اعتراض ثالث، موجب ورود خسارت غیرقابل جبران شود؛ شعبه رسیدگی کننده به اعتراض ثالث می تواند با تقاضای معترض و با موافقت رئیس دیوان، دستور توقف اجرای حکم مورد اعتراض را تا رسیدگی و صدور حکم قطعی صادر کند.</p>	<p>۱۷_ در ماده ۳۳ موضوع اصلاح ماده ۵۷ قانون،</p> <p>۱۷_۱_ اطلاق حکم مذکور در ماده نسبت به مواردی که امکان شکایت نداشته اند، خلاف شرع شناخته شد.</p> <p>۱۷_۲_ در صدر ماده، مقصود از «حضور» از این جهت که منظور حضور فیزیکی در جریان رسیدگی به پرونده است یا منظور از آن دخالت به عنوان طرف دعوا است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۳۳_ ماده (۵۷) قانون به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می شود:</p> <p>ماده ۵۷_ آرای قطعی شعب دیوان که بدون دخالت شخص ثالث ذی نفع، صادر شده است، در صورتی که به حقوق شخص ثالث خلل وارد نموده باشد، چنانچه وی در هیچ یک از مراحل دادرسی حضور نداشته باشد، ظرف دو ماه از تاریخ اطلاع از رأی، می تواند به رأی صادره اعتراض کند. این اعتراض در شعبه صادرکننده حکم قطعی رسیدگی می شود و شعبه مزبور با بررسی دلایل ارائه شده مبادرت به صدور رأی می کند. در صورتی که رأی مربوط به شعبه تجدیدنظر باشد، قطعی و در صورتی که از شعبه بدوی صادر شده باشد، قابل تجدیدنظر است.</p> <p>تبصره_ در مواردی که اجرای رأی مورد اعتراض ثالث، موجب ورود خسارت غیرقابل جبران شود؛ شعبه رسیدگی کننده به اعتراض ثالث می تواند با تقاضای معترض و با موافقت رئیس دیوان، دستور توقف حکم مورد اعتراض را تا رسیدگی و صدور حکم قطعی صادر کند.</p>
<p>در بند (۳) ماده (۶۳) اصلاحی قانون، موضوع ماده (۳۶) مصوبه،</p>	<p>۱۸_ در ماده ۳۶ موضوع اصلاح ماده ۶۳ قانون، در بند</p>	<p>ماده ۳۶_ متن زیر جایگزین ماده (۶۳) قانون می شود:</p>

اصلاحیه مجلس (۱۴۰۱/۰۹/۲۰)	نظر شورا (۱۴۰۱/۰۴/۲۵)	متن مصوبه (۱۴۰۱/۰۴/۰۷)
<p>عبارت «مرجع رسیدگی کننده را موظف می کند موضوع را به مرجع دارای صلاحیت ارسال کند.» به عبارت «مرجع رسیدگی کننده را موظف می کند موضوع را ظرف مدت یک هفته به مرجع دارای صلاحیت ارسال کند.» اصلاح می شود.</p>	<p>۳، مهلت مرجع رسیدگی کننده برای ارسال موضوع به مرجع دارای صلاحیت ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۶۳- شعبه رسیدگی کننده دیوان در مقام رسیدگی به آراء و تصمیمات مراجع مذکور در بند (۲) ماده (۱۰) این قانون به شرح زیر اقدام می کند:</p> <p>۱- ...</p> <p>۳- در مواردی که شعبه دیوان تشخیص دهد که مرجع رسیدگی کننده صلاحیت رسیدگی را نداشته است رأی را نقض و ضمن تعیین مرجع صلاحیتدار، مرجع رسیدگی کننده را موظف می کند موضوع را به مرجع دارای صلاحیت ارسال کند.</p> <p>۴- ...</p>
<p>ماده (۳۷) مصوبه حذف می شود.</p>		<p>ماده ۳۷- در ماده (۶۴) قانون عبارت «و در صورت شکایت شاکی از حیث تشخیص موضوع، شعبه رسیدگی کننده موظف است حسب مورد پس از ارجاع پرونده به هیأت کارشناسی تخصصی ذی ربط که توسط شعبه تعیین می گردد با کسب نظر آنان، مبادرت به انشای رأی نماید.» به عبارت «رسیدگی به این موارد مشمول ماده (۶۳) این قانون می باشد.» اصلاح می شود.</p>
<p>در تبصره (۲) الحاقی به ماده (۷۲) قانون، موضوع ماده (۴۰) مصوبه، عبارت «قرار رد دادخواست» به عبارت «حسب مورد قرار رد شکایت یا نقض رأی بدوی و قرار رد شکایت» اصلاح گردد.</p>	<p>تذکرات: ۱- در ماده ۴۰ موضوع اصلاح ماده ۷۲ قانون، عبارت «قرار رد دادخواست» به عبارت «حسب مورد قرار رد دادخواست یا نقض رأی بدوی و قرار رد دادخواست» اصلاح گردد.</p>	<p>ماده ۴۰- ماده (۷۲) قانون به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می شود:</p> <p>ماده ۷۲- شعبه تجدیدنظر در صورتی که قرار مورد تجدیدنظرخواهی را مطابق قانون تشخیص دهد، آن را تأیید می کند، در غیر این صورت چنانچه قرار صادره را منطبق با هیچ یک از موارد صدور قرار رد تشخیص ندهد پس از نقض قرار، پرونده را برای رسیدگی ماهوی به شعبه صادرکننده قرار عودت می دهد.</p> <p>تبصره ۱- شعبه بدوی مکلف به تبعیت از رأی شعبه تجدیدنظر است؛ لیکن در صورتی که امر جدیدی حادث شود که امکان رسیدگی ماهوی فراهم نباشد، شعبه مذکور می تواند قرار مقتضی را صادر کند.</p> <p>تبصره ۲- هرگاه شعبه تجدیدنظر، رسیدگی به شکایت را در صلاحیت سایر مراجع قضائی تشخیص دهد با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به مرجع مذکور ارسال می کند و در صورتی که رسیدگی به شکایت را در صلاحیت مراجع غیرقضائی بداند، قرار رد دادخواست صادر می کند و شاکی را به مرجع صالح دلالت می نماید.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۴۰۱/۰۹/۲۰)	نظر شورا (۱۴۰۱/۰۴/۲۵)	متن مصوبه (۱۴۰۱/۰۴/۰۷)
<p>تبصره (۲) الحاقی به ماده (۷۹) قانون، موضوع ماده (۴۱) مصوبه، به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p><u>تبصره ۲_ در صورت اعلام خلاف بین شرع یا قانون بودن رأی، توسط رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان، اجرای حکم تا صدور رأی مجدد، متوقف می‌شود.</u></p>	<p>۱۹_ در ماده ۴۱ موضوع اصلاح ۷۹ قانون،</p> <p>۱۹_۱_ در تبصره ۲، منظور از اینکه رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان «می‌توانند» در موارد ذکر شده دستور تعویق اجرای حکم را صادر نمایند، از این جهت که عبارت مذکور مفید اختیار است یا در صورت وجود شرایط، صدور دستور تعویق لازم است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.</p> <p>۱۹_۲_ نسبت میان مفاد تبصره ۲ با مفاد ماده ۱۱۳ ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۴۱_ در ماده (۷۹) قانون عبارت «شعبه مذکور مکلف است خارج از نوبت به پرونده رسیدگی و رأی مقتضی را صادر کند.» بعد از عبارت «ارجاع می‌نماید.» اضافه و شماره تبصره ماده مذکور به تبصره (۱) اصلاح و یک تبصره به عنوان تبصره (۲) به آن الحاق می‌شود:</p> <p><u>تبصره ۲_ رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان می‌توانند در صورت تشخیص خلاف بین شرع یا قانون بودن رأی، دستور تعویق اجرای حکم تا صدور رأی مجدد را صادر کنند.</u></p>
<p>در تبصره (۲) الحاقی به ماده (۸۰) قانون، موضوع ماده (۴۲) مصوبه، عبارت «و دلایل قانونی و شرعی خود را جهت ابطال به‌طور مستدل بیان کند. در صورت ادعای مغایرت با شرع، ذکر کلی مغایرت با قواعد فقهی از قبیل قاعده لاضرر، اصل تسلیط، حرمت مال مسلم یا فتاوی مراجع تقلید بدون ذکر استدلال، کافی نیست و لازم است استدلال فقهی و حقوقی مربوط را به‌طور صریح بیان کند.» حذف و تبصره (۳) الحاقی به ماده مذکور به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>تبصره ۳_ هرگاه جهت درخواست ابطال مصوبه، مغایرت با موازین شرع باشد، رئیس دیوان مطابق ماده (۸۷) این قانون، از شورای نگهبان استعلام می‌کند.</p>	<p>۲۰_ در ماده ۴۲ موضوع اصلاح ماده ۸۰ قانون،</p> <p>۲۰_۱_ ذیل تبصره ۲، الزام به بیان استدلال‌های فقهی و حقوقی مربوط، مغایر اصل ۳۴ قانون اساسی شناخته شد.</p> <p>۲۰_۲_ در تبصره ۳، عبارت «تبادل لایحه»، از این جهت که منظور دریافت و وصول لایحه دفاعیه طرف شکایت است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۴۲_ در ماده (۸۰) و تبصره آن کلمه «درخواست» به کلمه «دادخواست» و عبارت «درخواست کننده» به عبارت «دادخواست دهنده» اصلاح و شماره تبصره آن ماده به تبصره (۱) اصلاح و دو تبصره به عنوان تبصره‌های (۲) و (۳) به شرح زیر به ماده مذکور الحاق می‌شود:</p> <p>تبصره ۲_ در مواردی که آیین‌نامه و مصوبه مورد شکایت، مرکب از مواد یا بندهای متعدد باشد دادخواست‌دهنده باید هریک از مواد یا اجزائی که ادعای مغایرت آن را با قانون یا موازین شرعی نموده است، مشخص کند و دلایل قانونی و شرعی خود را جهت ابطال به‌طور مستدل بیان کند. در صورت ادعای مغایرت با شرع، ذکر کلی مغایرت با قواعد فقهی از قبیل قاعده لاضرر، اصل تسلیط، حرمت مال مسلم یا فتاوی مراجع تقلید بدون ذکر استدلال، کافی نیست و لازم است استدلال فقهی و حقوقی مربوط را به‌طور صریح بیان کند.</p> <p>تبصره ۳_ هرگاه جهت درخواست ابطال مصوبه، مغایرت با موازین شرع باشد، پس از تبادل لایحه، رئیس دیوان نظر فقهای شورای نگهبان را با رعایت ماده (۸۷) این قانون استعلام می‌کند.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۴۰۱/۰۹/۲۰)	نظر شورا (۱۴۰۱/۰۴/۲۵)	متن مصوبه (۱۴۰۱/۰۴/۰۷)
<p>۱_ تبصره جزء (۲) بند «الف» ماده (۸۴) اصلاحی قانون، موضوع ماده (۴۶) مصوبه حذف و در بند «ت» ماده مذکور عبارت «اکثریت مطلق» به عبارت «اکثریت» اصلاح می‌شود.</p> <p>۲_ مجلس بر مصوبه قبلی خود در ماده (۸۴) اصلاحی قانون، موضوع ماده (۴۶) مصوبه، در خصوص ایراد ردیف (۳۱) شورای نگهبان اصرار ورزید.</p>	<p>۲۱_ در ماده ۴۶ موضوع اصلاح ماده ۸۴ قانون،</p> <p>۱_۲۱_ نسبت میان مفاد تبصره بند ۲ با حق اعتراض رئیس قوه قضائیه مذکور در ماده ۹۴ قانون ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p> <p>۲_۲۱_ تبصره بند ۲، از این جهت که آیا شامل مواردی که آرای صادره مبتنی بر نظرات فقهای شورای نگهبان صادر می‌شود نیز خواهد شد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p> <p>۳_۲۱_ در بند (ت)، در عبارت «صدور رأی»، از این جهت که منظور رأی به ابطال است یا شامل آراء غیر از ابطال نیز می‌شود، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۴۶_ ماده (۸۴) قانون و تبصره‌های آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۸۴_ اتخاذ تصمیم در هیأت‌های تخصصی به شرح زیر و با نظر اکثریت اعضای حاضر انجام می‌شود:</p> <p>الف_ رسیدگی به دادخواست ابطال مصوبات موضوع ماده (۱۲) این قانون:</p> <p>۱_ در صورتی که موضوع شکایت را غیر قابل طرح یا خارج از صلاحیت‌های مقرر در ماده (۱۲) این قانون تشخیص دهد، قرار مقتضی صادر می‌نماید.</p> <p>۲_ چنانچه مصوبه را به علت مغایرت آن با جهات مذکور در ماده (۱۲) این قانون قابل ابطال تشخیص دهد، حکم به ابطال مصوبه و در غیر این صورت حکم به رد شکایت صادر می‌کند.</p> <p>تبصره_ آرای صادره از سوی هیأت‌های تخصصی ظرف یک‌ماه از تاریخ صدور توسط رئیس دیوان یا توسط ده نفر از اعضای هیأت عمومی قابل اعتراض در هیأت عمومی است.</p> <p>ب_ رسیدگی به درخواست ایجاد رویه و وحدت رویه موضوع بندهای (۲) و (۳) ماده (۱۲) این قانون:</p> <p>در این موارد هیأت تخصصی موظف است پس از رسیدگی به موضوع، حسب مورد در خصوص وجود تشابه یا تعارض بین آرای صادره و همچنین رأی صحیح، اعلام نظر کرده و پرونده را جهت اتخاذ تصمیم به هیأت عمومی ارسال کند.</p> <p>پ_ رسیدگی به درخواست اعمال ماده (۹۱) این قانون نسبت به آرای هیأت تخصصی و یا هیأت عمومی:</p> <p>در این موارد هیأت تخصصی پس از رسیدگی به موضوع، نظریه خود را جهت اتخاذ تصمیم به هیأت عمومی ارسال می‌کند.</p> <p>تبصره_ رئیس دیوان می‌تواند علاوه بر موارد فوق در ارتباط با موضوعات تخصصی مربوط نسبت به أخذ نظریه مشورتی از هیأت‌های تخصصی اقدام نماید.</p> <p>ت_ هر هیأت تخصصی متشکل از حداقل پانزده نفر عضو از میان قضات دیوان می‌باشد که با حضور حداقل دوسوم اعضاء رسمیت می‌یابد و ملاک در صدور رأی، نظر اکثریت مطلق اعضای حاضر در جلسه می‌باشد و عضویت قضات دیوان در هر یک از هیأت‌های تخصصی با توجه به تجربه و آشنایی آنها با حوزه تخصصی مربوط انجام می‌شود.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۴۰۱/۰۹/۲۰)	نظر شورا (۱۴۰۱/۰۴/۲۵)	متن مصوبه (۱۴۰۱/۰۴/۰۷)
<p>در ماده (۸۵) اصلاحی قانون، موضوع ماده (۴۷) مصوبه، عبارت «از قبیل نظرات مشورتی، ابلاغیه مصوبات، تصمیمات موردی و یا شکایت از قانون، رئیس دیوان قرار رد دادخواست صادر می‌کند. این قرار قطعی است.» به عبارت «از قبیل نظرات مشورتی، ابلاغیه مصوبات و یا شکایت از قانون، رئیس دیوان قرار رد دادخواست صادر می‌کند. این قرار قطعی است. در صورتی که شکایت از تصمیمات موردی به هیأت عمومی ارجاع شده یا توسط شعبه قرار عدم صلاحیت به شایستگی رسیدگی در هیأت عمومی صادر شده باشد، پرونده توسط رئیس دیوان به یکی از شعب دیوان ارجاع می‌شود. در این صورت شعبه مکلف به رسیدگی است.» اصلاح می‌شود.</p>	<p>۲۲_ ماده ۴۷ موضوع اصلاح ماده ۸۵ قانون، از این جهت که آیا «تصمیمات موردی» شامل مواردی که در صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری است نیز می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۴۷_ ماده (۸۵) قانون به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می‌شود:</p> <p>ماده ۸۵_ در مواردی که به تشخیص رئیس دیوان، رسیدگی به دادخواست ابطال مصوبه موضوعاً متفی باشد، مانند موارد استرداد دادخواست از سوی متقاضی یا وجود رأی قبلی دیوان در مورد مصوبه مورد شکایت و یا در مواردی که موضوع مورد شکایت مشمول عنوان آیین‌نامه‌ها، نظامات و مقررات موضوع ماده (۱۲) این قانون نباشد، از قبیل نظرات مشورتی، ابلاغیه مصوبات، تصمیمات موردی و یا شکایت از قانون، رئیس دیوان قرار رد دادخواست صادر می‌کند. این قرار قطعی است.</p> <p>تبصره ۱_ پس از صدور نظریه شورای نگهبان مبنی بر مغایرت مصوبه با شرع، تقاضای استرداد دادخواست قابل پذیرش نیست و به موضوع، رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌شود.</p> <p>تبصره ۲_ در صورت تقاضای استرداد دادخواست، چنانچه رئیس دیوان مصوبه را خلاف شرع یا قانون تشخیص دهد، رسیدگی به موضوع با درخواست رئیس دیوان ادامه می‌یابد.</p>
<p>اصلاحات زیر در ماده (۸۷) اصلاحی قانون، موضوع ماده (۴۸) مصوبه، اعمال می‌شود:</p> <p>۱- بند (۱) ماده مذکور به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>۱_ در صورتی که مصوبه صرفاً از حیث شرعی مورد شکایت قرار گرفته باشد، رئیس دیوان پس از تبادل دادخواست و دریافت پاسخ طرف شکایت ضمن تعیین و تبیین هر یک از مواد یا اجزائی که ادعای مغایرت آنها با موازین شرعی شده است، موضوع را به همراه کلیه اسناد و مدارک پرونده جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال می‌کند. فقهای شورای نگهبان بنا بر ترتیبی که مقرر می‌نمایند، نسبت به موضوع مورد استعلام رئیس دیوان، اظهار نظر می‌کنند. نظر فقهای شورای نگهبان برای هیأت عمومی یا هیأت تخصصی مربوط لازم‌الاتباع است و در صورت مغایرت مصوبه با</p>	<p>۲۳_ در ماده ۴۸ موضوع اصلاح ماده ۸۷ قانون،</p> <p>۲۳_۱_ بند ۱، از این جهت که در صورتی که طرف شکایت در مهلت مذکور در ماده ۸۳ قانون، اقدام به ارسال پاسخ ننماید، امکان ارسال موضوع برای بررسی در شورای نگهبان وجود دارد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p> <p>۲۳_۲_ بند ۱، از این جهت که آیا مهلت‌های ذکر شده در ماده ۸۳ شامل شکایت‌هایی که صرفاً از لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد نیز می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۴۸_ ماده (۸۷) قانون به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می‌شود:</p> <p>ماده ۸۷_ در صورتی که مصوبه‌ای به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع به ترتیب زیر جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال می‌شود:</p> <p>۱_ در صورتی که مصوبه صرفاً از حیث شرعی مورد شکایت قرار گرفته باشد موضوع پس از تبادل لوایح به همراه کلیه اسناد و مدارک پرونده از جمله پاسخ طرف شکایت به شورای نگهبان ارسال می‌شود و نظری که مطابق ترتیبات مقرر از سوی فقهای شورای نگهبان صادر می‌شود، ملاک عمل دیوان قرار می‌گیرد. در این موارد چنانچه مصوبه از سوی فقهای شورای نگهبان مغایر شرع اعلام گردد، حسب مورد، هیأت عمومی یا هیأت تخصصی مربوط، مطابق نظر فقهای شورای نگهبان نسبت به ابطال مصوبه اقدام می‌کند.</p> <p>۲_ در صورتی که مصوبه‌ای به لحاظ مغایرت با موازین شرع و سایر جهات، برای</p>

اصلاحیه مجلس (۱۴۰۱/۰۹/۲۰)	نظر شورا (۱۴۰۱/۰۴/۲۵)	متن مصوبه (۱۴۰۱/۰۴/۰۷)
<p><u>شرح، بلافاصله نسبت به اعلام بطلان مصوبه اقدام می‌کند.</u></p> <p><u>تبصره</u> در صورت عدم پاسخ طرف شکایت ظرف مهلت مقرر در صدر ماده (۸۳) این قانون، رئیس دیوان ظرف مهلت دو ماه نسبت به استعلام از شورای نگهبان به ترتیب مقرر در این بند اقدام می‌کند.</p> <p>۲_ در بند (۲) ماده مذکور، عبارت «در سایر موارد بعد از اظهار نظر دیوان، موضوع به همراه رأی دیوان و اسناد و مدارک پرونده به شورای نگهبان ارسال می‌شود» به عبارت «در سایر موارد، بعد از اظهار نظر دیوان، موضوع به همراه نظر دیوان و اسناد و مدارک پرونده با رعایت ترتیبات مذکور در بند (۱) این ماده و تبصره آن به شورای نگهبان ارسال می‌گردد» و عبارت «نسبت به ابطال مصوبه اقدام می‌کند.» به عبارت «بلافاصله نسبت به اعلام بطلان مصوبه اقدام می‌کند.» اصلاح می‌شود.</p> <p>۳_ در تبصره (۱) ماده مذکور، عبارت «گروه یا گروههای تخصصی تشکیل دهند.» به عبارت «ترتیباتی را برای رسیدگی مقرر و ساختارهای متناسب را ایجاد کنند.» اصلاح می‌شود.</p>	<p><u>تذکرات: ۲_</u> در ماده ۴۸ موضوع اصلاح ماده ۸۷ قانون،</p> <p>۲_۱_ در بند ۲ و تبصره ۲ آن، عبارت «نسبت به ابطال مصوبه» به عبارت «بلافاصله نسبت به اعلام بطلان مصوبه» اصلاح گردد.</p> <p>۲_۲_ در بند ۲، عبارت «بعد از اظهار نظر دیوان، موضوع به همراه رأی دیوان و اسناد و مدارک» به عبارت «بعد از اظهار نظر دیوان، موضوع به همراه اسناد و مدارک» اصلاح گردد.</p> <p>۲_۳_ در تبصره ۱، واژه «مقررات» به واژه «مصوبه» و عبارت «گروه یا گروههای تخصصی» به عبارت «ساختارهای متناسب» اصلاح گردد.</p>	<p>رسیدگی مطرح باشد، ابتدا موضوع از لحاظ مغایرت مصوبه با جهاتی غیر از مغایرت با موازین شرع، در دیوان مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و دیوان نسبت به آن اتخاذ تصمیم می‌کند. در صورتی که دیوان، مصوبه و مفادی که مورد شکایت شرعی قرار گرفته است را به طور کلی ابطال کند و اثر آن را به زمان تصویب تسری دهد، موضوع پرونده بدون استعلام از شورای نگهبان مختومه می‌شود و در سایر موارد بعد از اظهار نظر دیوان، موضوع به همراه رأی دیوان و اسناد و مدارک پرونده به شورای نگهبان ارسال می‌شود و نظری که مطابق ترتیبات مقرر از سوی فقهای شورای نگهبان صادر می‌شود، ملاک عمل دیوان قرار می‌گیرد. در این موارد چنانچه مصوبه از سوی فقهای شورای نگهبان مغایر شرع اعلام شود، حسب مورد، هیأت عمومی یا هیأت تخصصی مربوط، مطابق نظر فقهای شورای نگهبان نسبت به ابطال مصوبه اقدام می‌کند.</p> <p>تبصره ۱_ فقهای شورای نگهبان می‌توانند برای انجام وظایف خود از حیث بررسی مغایرت یا عدم مغایرت مقررات با شرع، گروه یا گروههای تخصصی تشکیل دهند.</p> <p>تبصره ۲_ چنانچه فقهای شورای نگهبان رأساً مغایرت شرعی مصوبه‌ای را به رئیس دیوان اعلام نمایند، حسب مورد، هیأت عمومی یا هیأت تخصصی مربوط مطابق نظر فقهای شورای نگهبان نسبت به ابطال مصوبه اقدام می‌کند.</p>
<p>در ماده (۸۹) اصلاحی قانون، موضوع ماده (۴۹) مصوبه، عبارت «به علت استنباط متفاوت از قوانین و مقررات» حذف می‌شود.</p>	<p>۲۴_ در ماده ۴۹، منحصر کردن صدور رأی وحدت رویه به علت «استنباط متفاوت از قوانین و مقررات» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۴۹_ ماده (۸۹) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۸۹_ هرگاه به تشخیص رئیس دیوان، در موضوعات مشابه به علت استنباط متفاوت از قوانین و مقررات، آرای متعارض از یک یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد، وی می‌تواند دستور بررسی آن را جهت صدور رأی وحدت رویه صادر نماید. هیأت عمومی پس از بررسی و احراز تعارض، با اعلام رأی صحیح، نسبت به صدور رأی وحدت رویه اقدام می‌کند. در صورتی که هیأت عمومی آرای موضوع تعارض را غیر صحیح تشخیص دهد، نظر صحیح را با صدور رأی وحدت رویه اعلام می‌کند. این رأی برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری و همچنین برای هیأت‌های تخصصی و هیأت عمومی در مورد رسیدگی به ابطال مصوبات موضوع بند (۱) ماده (۱۲) این قانون در ارتباط با آن موضوع لازم‌الاتباع است. اثر آرای وحدت رویه نسبت به آینده است لیکن در مورد احکامی</p>

اصلاحیه مجلس (۱۴۰۱/۰۹/۲۰)	نظر شورا (۱۴۰۱/۰۴/۲۵)	متن مصوبه (۱۴۰۱/۰۴/۰۷)
		<p>که در رأی هیأت عمومی مطرح و غیر صحیح تشخیص داده شده است، شخص ذی نفع ظرف یک ماه از تاریخ درج رأی در روزنامه رسمی حق تجدیدنظرخواهی را دارد. در این صورت پرونده به شعبه تجدیدنظری که قبلاً به پرونده رسیدگی نکرده است، ارجاع می‌شود و شعبه مذکور موظف به رسیدگی و صدور رأی، مطابق رأی وحدت رویه است. رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان فقط به موجب قانون یا رأی وحدت رویه مؤخر، بلا اثر می‌شود.</p>
<p>ماده (۵۰) مصوبه به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۵۰_ در ماده (۹۰) قانون عبارت «این رأی برای سایر شعب دیوان، ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی مربوط لازم الاتباع است.» به عبارت «و چنانچه رأی مشابه مذکور را غیر صحیح تشخیص دهد، رأی صحیح را جهت ایجاد رویه صادر و اعلام می‌کند. این رأی برای شعب دیوان و مراجع اداری و هیأتها و کمیسیونهای موضوع بند (۲) ماده (۱۰) این قانون و همچنین برای هیأت‌های تخصصی و هیأت عمومی در مورد رسیدگی به ابطال مصوبات موضوع بند (۱) ماده (۱۲) این قانون در ارتباط با آن موضوع، لازم الاتباع است.» اصلاح و تبصره ماده مذکور حذف می‌شود.</p>	<p>۲۵_ ماده ۵۰ موضوع اصلاح ماده ۹۰ قانون، از این جهت که روشن نیست آیا منظور از لازم الاتباع بودن رأی مذکور، لزوم تبعیت هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی از رأی مذکور نیز می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۵۰_ در ماده (۹۰) قانون بعد از عبارت «تصویب می‌نماید» عبارت «و چنانچه رأی مشابه مذکور را غیر صحیح تشخیص دهد، رأی صحیح را جهت ایجاد رویه، صادر و اعلام می‌کند.» اضافه و تبصره ماده مذکور حذف می‌شود.</p>
<p>عبارت «حسب مورد» از ماده (۹۲) اصلاحی قانون، موضوع ماده (۵۲) مصوبه، حذف می‌شود.</p>	<p>تذکرات: ۳_ در ماده ۵۲ موضوع اصلاح ماده ۹۲ قانون، عبارت «حسب مورد» به بعد از عبارت «رعایت مفاد آن» منتقل شود.</p>	<p>ماده ۵۲_ ماده (۹۲) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۹۲_ چنانچه مصوبه‌ای در هیأت‌های تخصصی یا هیأت عمومی ابطال شود، حسب مورد پس از ابلاغ رأی به طرف شکایت یا انتشار در روزنامه رسمی، رعایت مفاد آن برای مرجع طرف شکایت و سایر مراجع و مقامات مسؤول دستگاههای موضوع ماده (۱۲) این قانون الزامی است. هرگاه مراجع و مقامات مذکور مصوبه جدیدی تحت هر عنوانی مغایر با مفاد رأی مذکور تصویب کنند، به درخواست رئیس دیوان موضوع به صورت خارج از نوبت و بدون رعایت مفاد ماده (۸۳) این قانون و فقط با دعوت از نماینده مرجع صدور مصوبه جدید، در هیأت صادرکننده رأی قبلی، رسیدگی و از تاریخ تصویب ابطال می‌شود. در صورتی که مصوبه جدید ابطال شود و مشخص گردد وضع آن به جهت عدم تبعیت از مفاد رأی قبلی صادره از سوی هیأت تخصصی یا هیأت عمومی دیوان بوده است، مقامات و اعضای که برخلاف رأی دیوان مبادرت به وضع چنین مقرری نمودند، مسؤول جبران خسارات وارده به اشخاص بوده و به عنوان مستنکف شناخته شده و مشمول ماده (۱۱۲) این قانون می‌شوند.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۴۰۱/۰۹/۲۰)	نظر شورا (۱۴۰۱/۰۴/۲۵)	متن مصوبه (۱۴۰۱/۰۴/۰۷)
<p>ماده (۱۰۳) اصلاحی قانون موضوع ماده (۵۶) مصوبه، به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۱۰۳- شعبه رسیدگی‌کننده به موارد موضوع مواد (۷۴)، (۷۵) یا (۹۸) این قانون، مکلف است در صورت احراز ضرورت، دستور توقف اجرای حکم مورد رسیدگی را صادر کند.</p>	<p>۲۶- در ماده ۵۶ موضوع اصلاح ماده ۱۰۳ قانون، منظور از اینکه شعبه رسیدگی‌کننده «می‌تواند» در موارد ذکر شده دستور توقف اجرای حکم را صادر نمایند، از این جهت که عبارت مذکور مفید اختیار است یا در صورت وجود شرایط، صدور دستور توقف لازم است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۵۶- ماده (۱۰۳) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۱۰۳- شعبه رسیدگی‌کننده به موارد موضوع مواد (۷۴)، (۷۵)، (۷۹) یا (۹۸) این قانون می‌تواند در صورت احراز ضرورت، دستور توقف اجرای حکم مورد رسیدگی را صادر کند.</p>
<p>در ماده (۶۰) مصوبه عبارت «در صدر ماده (۱۱۱) قانون واژه «دادرس» به «قاضی» اصلاح» به عبارت «به ماده (۱۱۱) قانون» اصلاح می‌شود و در تبصره الحاقی به ماده (۱۱۱) قانون، عبارت «حداکثر ظرف یک ماه پس از ابلاغ قرار مذکور مهلت اعتراض نسبت به آن را دارد.» به عبارت «حداکثر ظرف یک ماه پس از ابلاغ قرار مذکور، با رعایت معاذیر شرعی یا قانونی، مهلت اعتراض نسبت به آن را دارد.» اصلاح می‌شود.</p>	<p>۲۷- در ماده ۶۰ موضوع اصلاح ماده ۱۱۱ قانون، اطلاق حکم مذکور در تبصره، نسبت به مواردی که در زمان مقرر، امکان رفع نقص و تکمیل شکایت وجود ندارد، خلاف شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۶۰- در صدر ماده (۱۱۱) قانون واژه «دادرس» به «قاضی» اصلاح و یک بند به عنوان بند (۵) و یک تبصره به شرح زیر به ماده مذکور الحاق می‌شود:</p> <p>۵- اعلام مراتب از سوی واحد اجرای احکام پس از انقضای مهلت یکساله به سازمان برنامه و بودجه کشور که در این صورت سازمان مذکور موظف است ظرف سماع، محکوم‌به را بدون رعایت محدودیت‌های جابه‌جایی از ردیف بودجه سنواتی دستگاه مربوط کسر و مستقیماً بحساب محکوم‌له پرداخت کند.</p> <p>تبصره- در صورتی که قاضی اجرای احکام تشخیص دهد رأی صادره از طرف محکوم‌علیه اجراء شده است و اقدام دیگری ندارد، قرار خاتمه اجرای حکم را صادر می‌کند و پرونده بایگانی می‌شود. قرار صادره به محکوم‌له ابلاغ می‌شود و چنانچه وی به هر دلیل مدعی عدم اجرای کامل یا بخشی از رأی صادره از سوی محکوم‌علیه باشد، حداکثر ظرف یک‌ماه پس از ابلاغ قرار مذکور مهلت اعتراض نسبت به آن را دارد. در این صورت پرونده به شعبه صادر کننده رأی قطعی ارسال و برابر تصمیم شعبه مذکور اقدام می‌شود.</p>
<p>در ماده (۱۱۲) اصلاحی قانون، موضوع ماده (۶۱) مصوبه، عبارت «مستکف به انفصال از خدمات دولتی تا پنج سال و یا به محرومیت از حقوق اجتماعی تا پنج سال محکوم می‌شود. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ بدون رعایت تشریفات تنظیم دادخواست، قابل تجدیدنظرخواهی حسب مورد در شعبه تجدیدنظر و شعبه هم‌عرض است. رسیدگی به استتکاف و تجدیدنظرخواهی از احکام مربوط در شعب دیوان به صورت</p>	<p>۲۸- ماده ۶۱ موضوع اصلاح ماده ۱۱۲ قانون،</p> <p>۱- ۲۸- از این جهت که آیا حذف عبارت «جبران خسارت» به منزله عدم لزوم جبران خسارت است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p> <p>۲- ۲۸- اطلاق رسیدگی «خارج از نوبت» به پرونده‌های مذکور، در حالتی که مصادیق اهم لازم‌الرعایه‌ای وجود دارد، خلاف شرع و مغایر بند ۱۰ اصل سوم قانون</p>	<p>ماده ۶۱- ماده (۱۱۲) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۱۱۲- در صورتی که محکوم‌علیه از اجرای آرای دیوان استتکاف نماید، پرونده با ارجاع رئیس دیوان در شعبه صادرکننده رأی قطعی، رسیدگی و مستکف به انفصال از خدمات دولتی تا پنج سال و یا به محرومیت از حقوق اجتماعی تا پنج سال محکوم می‌شود. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ بدون رعایت تشریفات تنظیم دادخواست، قابل تجدیدنظرخواهی حسب مورد در شعبه تجدیدنظر و شعبه هم‌عرض است. رسیدگی به استتکاف و تجدیدنظرخواهی از</p>

اصلاحیه مجلس (۱۴۰۱/۰۹/۳۰)	نظر شورا (۱۴۰۱/۰۴/۲۵)	متن مصوبه (۱۴۰۱/۰۴/۰۷)
<p>خارج از نوبت صورت می‌گیرد.» به عبارت «مستتکف به انفصال از خدمات دولتی تا پنج سال و یا به محرومیت از حقوق اجتماعی تا پنج سال و جبران خسارت وارده، محکوم می‌شود. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ بدون رعایت تشریفات تنظیم دادخواست، قابل تجدیدنظرخواهی حسب مورد در شعبه تجدیدنظر و شعبه هم‌عرض است.» اصلاح و یک ماده به شرح زیر به عنوان ماده (۶۱ مکرر) به مصوبه الحاق می‌شود:</p> <p>ماده ۶۱ مکرر_ ماده (۱۱۳) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۱۱۳_ رئیس دیوان جهت کاهش شکایات و پیشگیری از وقوع تخلفات، اقدامات زیر را انجام می‌دهد:</p> <p>۱_ در مواردی که در جریان رسیدگی به پرونده‌ها در دیوان، ایرادات و نواقصی در قوانین و مقررات مشاهده شود که منشأ طرح شکایت در دیوان شده است، پیشنهادهای اصلاحی خود را حسب مورد، به رئیس‌جمهور یا رئیس قوه قضائیه یا رئیس مجلس شورای اسلامی و یا دیگر مراجع ذی‌ربط واضح مقررات، اعلام می‌نماید.</p> <p>۲_ اقدامات و تدابیر پیشگیرانه مناسب را در چهارچوب قوانین و مقررات، جهت کاهش موجبات طرح شکایت در دیوان با همکاری دستگاههای اجرایی مربوط به‌عمل می‌آورد.</p>	<p>اساسی شناخته شد.</p>	<p>احکام مربوط در شعب دیوان به صورت خارج از نوبت صورت می‌گیرد. حکم قطعی صادره جهت اجراء به مقام مافوق مستتکف و عندالاقضاء به مراجع نظارتی مربوط، ابلاغ و درخصوص دارندگان پایه قضائی به دادسرای انتظامی قضات اعلام می‌شود.</p>
<p>ماده (۶۳) مصوبه، حذف می‌شود.</p>		<p>ماده ۶۳_ در ماده (۱۱۷) قانون کلمه «دادرس» به «قاضی» اصلاح می‌شود.</p>
<p>ماده (۶۴) مصوبه، حذف می‌شود.</p>	<p>۲۹_ ماده ۶۴ موضوع اصلاح ماده ۱۱۸ قانون، از این جهت که حذف تکلیف دستگاه‌های اجرایی به اجرای دستورات دیوان در مقام اجرای حکم، به منزله عدم لزوم اجرای دستورات مذکور است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۶۴_ ماده (۱۱۸) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۱۱۸_ رئیس دیوان جهت کاهش شکایات و پیشگیری از وقوع تخلفات، اقدامات زیر را انجام می‌دهد:</p> <p>۱_ در مواردی که در جریان رسیدگی به پرونده‌ها در دیوان، ایرادات و نواقصی در قوانین و مقررات مشاهده شود که منشأ طرح شکایت در دیوان شده است، پیشنهادهای اصلاحی خود را حسب مورد، به رئیس‌جمهور یا رئیس قوه قضائیه یا رئیس مجلس شورای اسلامی</p>

اصلاحیه مجلس (۱۴۰۱/۰۹/۲۰)	نظر شورا (۱۴۰۱/۰۴/۲۵)	متن مصوبه (۱۴۰۱/۰۴/۰۷)
		<p>و یا دیگر مراجع ذی ربط واضع مقررات اعلام می نماید.</p> <p>۲_ اقدامات و تدابیر پیشگیرانه مناسب را در چهارچوب قوانین و مقررات، جهت کاهش موجبات طرح شکایت در دیوان با همکاری دستگاههای اجرائی مربوط به عمل می آورد.</p>
<p>ماده (۶۵) مصوبه حذف می شود.</p>		<p>ماده ۶۵_ در ماده (۱۱۹) قانون کلمه «دادرس» به «قاضی» اصلاح می شود.</p>
<p>در ماده (۱۲۰) اصلاحی قانون، موضوع ماده (۶۶) مصوبه، واژه «بلافاصله» به عبارت «ظرف مدت یکماه» اصلاح می شود.</p>	<p>۳۰_ در ماده ۶۶ موضوع اصلاح ماده ۱۲۰ قانون، حکم مذکور در تبصره در خصوص تکلیف دستگاهها نسبت به دستورالعملها و بخشنامهها، مغایر بند ۱۰ اصل سوم قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>ماده ۶۶_ ماده (۱۲۰) قانون به شرح زیر اصلاح می شود:</p> <p>ماده ۱۲۰_ به منظور حفظ حقوق عامه و جلوگیری از تضییع آن در حدود صلاحیت دیوان عدالت اداری، رئیس دیوان یکی از معاونان قضائی خود را برای انجام وظایف زیر تعیین می کند:</p> <p>۱_ طرح شکایت از اقدامات و تصمیماتی که به جهات مذکور در ماده (۱۰) این قانون موجب تضییع حقوق عامه می شود، نزد شعب دیوان و حسب مورد تجدیدنظرخواهی نسبت به آرای مذکور تبصره_ در موارد موضوع این بند، پرداخت هزینه دادرسی و رعایت تشریفات مواعد قانونی طرح شکایت لازم نیست.</p> <p>۲_ شناسایی آیین نامهها، مقررات و سایر نظامات ناظر بر حقوق عامه که مغایر جهات مذکور در ماده (۱۲) این قانون است و درخواست ابطال آنها</p> <p>تبصره_ دستگاههای اجرائی موضوع ماده (۱۲) این قانون مکلفند یک نسخه از مصوبات، آیین نامهها، دستورالعملها و بخشنامههای خود را بلافاصله پس از وضع یا صدور، در پایگاه الکترونیکی دیوان قرار دهند. خودداری از اجرای این تکلیف از سوی دستگاههای مذکور، تخلف اداری محسوب می شود.</p>
	<p>۳۱_ با توجه به نامه های شماره ۱۰۲۲۰۹/۰۱۰۱ مورخ ۱۴۰۱/۴/۱۵ و شماره ۱۰۲۲۵۹/۰۱۰۱ مورخ ۱۴۰۱/۴/۲۶ رئیس هیأت عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام - که عیناً به پیوست ارسال می گردند- در خصوص مغایرت این مصوبه با سیاست های کلی نظام، مصوبه در موارد مذکور در نامه های این هیأت، مغایر بند ۲ اصل ۱۱۰ قانون اساسی شناخته شد.</p>	